



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله بیست و هشتم  
موضوع جزئی: معنای عدالت - اجتناب از صغیره  
سال سوم  
تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۹۱  
مصادف با: ۱۶ ربیع الاول ۱۴۳۴  
جلسه: ۶۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

نتیجه بحث در مطلب اول از مقام سوم این شد که کسی که گناه صغیره را مرتکب شود و مداومت بر آن گناه داشته باشد و توبه نکند یا آن گناه را کثیراً انجام دهد و توبه نکند یا چند بار انجام دهد و بنای بر ادامه دادن داشته باشد اصرار بر صغیره محقق می شود اما اگر یکبار گناه صغیره از او سر بزند و توبه نکند، به صرف عدم توبه، اصرار محسوب نمی شود. ضابطه این مسئله را هم عرض کردیم و گفتیم که برای صدق اصرار باید به عرف مراجعه کرد در مواردی که به نظر عرف اصرار قطعاً صدق کند، اصرار بر صغیره هست و در مواردی که به نظر عرف اصرار بر صغیره قطعاً نیست هم مطلب روشن است لکن در مواردی که صدق محقق نیست ممکن است شارع تعبداً موردی را از موارد اصرار بر صغیره محسوب کند یک مورد نقل شد که آن مورد را ما بررسی کردیم و معلوم شد در این مورد از نظر ادله اصرار صادق نیست.

### تنبیه:

یک تنبیهی لازم است ذکر شود که البته شاید به نوعی به بحث از معنای صغیره و ملاک و ضابطه آن مربوط باشد لکن اینجا هم ذکر آن بی مناسبت نیست؛ با توجه به آنچه که تا به حال گفته شد معلوم شد که یک فرق مهم گناه کبیره و صغیره این است که گناه کبیره محتاج توبه است ولی گناه صغیره نیاز به توبه ندارد چون بر طبق ادله اعمال صالحه و نماز و روزه یا اجتناب از کبائر مکفر و جبران کننده آنها خواهد بود بر طبق آیه «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سِئَاتِكُمْ»<sup>۱</sup> سیئات که مراد گناهان صغیره است با اجتناب از کبیره جبران می شود پس بهر حال در گناه صغیره توبه نیاز نیست یا به جهت اینکه اعمال صالحه مکفر آنهاست یا به جهت اجتناب کبائر، اگر اجتناب از کبائر را از مصادیق اعمال صالحه بدانیم می توانیم به نحو مطلق ادعا کنیم اعمال صالحه مکفر سیئات و گناهان صغیره می باشد.

لکن نکته ای که اینجا وجود دارد و غرض از انعقاد این تنبیه توجه به آن است، این است که بر طبق آیه ۳۱ سوره نساء جبران سیئات منوط به اجتناب از کبائر است یعنی نکفر عنکم سیئاتکم به شرط اینکه از کبائر اجتناب بشود؛ معنای این جمله این است که اگر کسی اجتناب از کبائر نکند دیگر نکفر عنکم سیئاتکم شامل او نمی شود به عبارت دیگر تارةً ما ادعا می کنیم گناه صغیره مطلقاً نیاز به توبه ندارد (ممکن است در اذهان این معنی با ملاحظه به ادله حادث شده باشد که گناه صغیره مطلقاً نیاز به توبه ندارد یعنی چه این شخص از کبائر اجتناب نکند یا نکند اما مفاد این آیه بر خلاف این اطلاق است ظاهر این آیه این

۱. نساء/۳۱.

است که گویا باید در مورد گناهان صغیره تفصیل داد یعنی در مواردی گناه صغیره نیاز به توبه ندارد ولی در مواردی گناه صغیره نیاز به توبه دارد. به عبارت دیگر اینکه گفته شد گناه صغیره نیاز به توبه ندارد این مشروط به یک شرطی است که اگر آن شرط بود گناه صغیره محتاج توبه نیست. پس عدم احتیاج به توبه در گناه صغیره مطلق نیست چون طبق آیه اگر کسی اهل اجتناب از کبیره باشد این اجتناب از کبیره مکفر سیئات اوست «إن تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه» اگر از کبائر از منهیات اجتناب کنید «نکفر عنکم سیئاتکم» پس مکفر بودن اجتناب از کبیره برای گناه صغیره بر طبق این آیه به این معنی است که اگر کسی اهل اجتناب از کبیره نباشد دیگر این گونه نیست که گناهان صغیره او نیاز به توبه نداشته باشد پس اگر مرتکب صغیره باشد به شرط اینکه اعمال صالحه داشته باشد و از گناهان کبیره اجتناب کند محتاج توبه نیست. چون بر طبق ادله این امور جبران گناه صغیره را می‌کنند و به این واسطه ما می‌گوییم گناه صغیره نیاز به توبه ندارد.

حال کسی را در نظر بگیرید که اهل عمل صالح نیست و اهل اجتناب از کبیره نیست و صغیره هم مرتکب می‌شود آیا برای این صغیره هم می‌گوییم نیاز به توبه نیست؟ به نظر می‌رسد در این مورد باید توبه کند مگر آنکه دلیلی پیدا کنیم که به صراحت دلالت کند که توبه از گناهان کبیره مکفر از گناهان صغیره هم هست که در این صورت قابل پذیرش می‌باشد.

### مطلب دوم:

آیا اصرار بر صغیره از گناهان کبیره محسوب می‌شود یا نه؟

در مورد این بحث هم ما باید مفاد ادله را بررسی کنیم به نظر می‌رسد اصرار بر صغیره بر حسب ادله از کبائر محسوب می‌شود بعضی از روایات بر این مطلب دلالت دارد از جمله:

**روایت اول:** روایت «عبدالله ابن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام قال لا صغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار»<sup>۱</sup> معنای این روایت روشن است که اگر اصرار محقق شد دیگر صغیره‌ای وجود ندارد و کسی هم که استغفار کند گناه کبیره‌اش محو می‌شود پس قسمت اول دلالت می‌کند بر اینکه اصرار بر گناه صغیره از گناهان کبیره است. همین مطلب در ذیل روایت ابن ابی عمیر هم آمده است تعبیر آن روایت این بود «لا کبیر مع الاستغفار و لا صغیر مع الاصرار».

**روایت دوم:** روایت اعمش که این روایت را در طائفه دوم که عدد معینی را برای گناه کبیره ذکر می‌کردند در بحث ملاک کبیره و صغیره ذکر کردیم؛ در روایت اعمش بعد از اینکه کبائر را یک به یک ذکر می‌کند در انتها آن «الاصرار علی صغائر الذنوب» آمده که این جزء کبائر است در روایت اعمش آمده بود «و الکبائر محرمة و هی ... و الاصرار علی صغائر الذنوب».<sup>۲</sup>

**روایت سوم:** روایت فضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام فی کتابه الی المأمون در ابتدای این روایت آمده است «و الایمان أداء الأمانة و اجتناب جمیع الکبائر» ایمان عبارت است از أداء امانت و اجتناب از همه کبائر بعد ایمان را معنی می‌کند «و هو معرفة بالقلب و الإقرار باللسان و عمل بالأركان الی أن قال: و اجتناب الکبائر و هی ... و الاصرار علی الذنوب»<sup>۳</sup> در این دو روایت اصرار بر صغیره از گناه رسماً و صریحاً در زمره گناهان گبیره قلمداد شده است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۱۹، حدیث ۱ / وسائل، ج ۱۵، ابواب جهاد النفس، باب ۴۸، حدیث ۳، ص ۳۳۷.

۲. وسائل، ج ۱۵، ابواب جهاد النفس، باب ۴۶، حدیث ۳۶، ص ۳۳۱ / خصال، ص ۶۱۰.

۳. همان، حدیث ۳۳، ص ۳۲۹ / عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

با ملاحظه این روایات دیگر تردیدی نیست در اینکه اصرار علی الصغائر جزء گناهان کبیره می‌باشد.

### مقام چهارم: اعتبار اجتناب از صغیره در معنای عدالت

آیا اجتناب از صغائر داخل در عدالت هست یا نه؟ ما عرض کردیم عدالت در قاضی، شاهد، مفتی معتبر است در اینکه اجتناب از کبیره قطعاً در معنای عدالت داخل است تردیدی نیست؛ قدر متیقن از معنای عدالت اجتناب از کبیره است اما آیا اجتناب از صغیره هم داخل در عدالت است یا نه؟ طبق تعریفی که ما از عدالت ارائه دادیم عدالت ملکه‌ی نفسانیه است «العدالة الملكة النفسانية الباعثة علی ملازمة التقوی من فعل الواجبات و ترک المحرمات» اتیان به واجبات و وظیفه است باید انجام دهد ترک محرمات هم جزء معنای تقوی است لکن محرمات دو دسته‌اند محرماتی که به عنوان کبیره معروفند و از کبائر هستند و منهیاتی که از صغائر هستند در لزوم اعتبار اجتناب از کبیره در معنای عدالت هیچ بحث و تردیدی وجود ندارد اما آیا اجتناب از صغیره هم در عدالت معتبر است یعنی وقتی می‌گوییم عادل، عادل یعنی کسی که یک ملکه‌ای دارد که هم او را از ارتکاب کبائر منع می‌کند و هم مانع او از ارتکاب صغائر است یا عادل کسی است که ملکه‌ی نفسانیه‌ای دارد که او را از کبائر منع می‌کند و دیگر اجتناب از صغیره در معنای عدالت داخل نیست این مقام چهارم بحث است.

**بحث جلسه آینده:** در آن مسئله سه قول وجود دارد عده‌ای معتقدند اجتناب از صغائر داخل در عدالت است و عده‌ای هم معتقدند اجتناب از صغیره داخل در معنای عدالت نیست و برخی هم بین صغائر تفصیل داده‌اند. ادله‌ی این اقوال را باید بررسی کرد تا حق در مسئله روشن شود.

### تذکر اخلاقی: پیامبر رحمت

به مناسبت میلاد با سعادت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و امام جعفر صادق علیه السلام لازم است مطالبی را عرض کنیم. روز هفدهم ربیع الاول روز ولادت پیامبر و امام صادق به اصطلاح ما نبی مکرم اسلام و رئیس مذهب است. یک نکته‌ی اساسی که در مورد پیامبر مطرح است و به یک عنوانی مشهور شده پیامبر رحمت است «رحمة للعالمین» امت پیامبر هم امت مرحومه هستند. همه پیامبران پیامبران رحمت بودند اهل عصمت انسان‌های کاملی هستند که به عنوان اینکه صبغه الهی در آنهاست عین رحمت هستند اما مراتب آن فرق می‌کند. در بین پیامبران پیامبر مکرم اسلام به عنوان پیامبر رحمت معرفی شده در جریان جنگ احد که فشار به پیامبر زیاد شده بود و در جنگ اذیت و آزارهایی می‌کردند یک عده‌ای خدمت پیامبر آمدند تقاضا کردند که از خداوند بخواهد دشمنان را نابود کند و آنها را عذاب کند؛ این موقعیت در امم گذشته هم پیش می‌آمد و پیامبران به نقطه‌ای می‌رسیدند که از خداوند تقاضای عذاب می‌کردند اما پیامبر اکرم در جواب فرمود انی لم ابعث لَعْنًا و لکنی بعثت داعیاً و رحمةً من نفرین کننده مبعوث نشدم من به عنوان دعوت کننده و رحمت مبعوث شدم و بعد این دعا را فرمودند «اللهم اهد قومی فإنهم لا یعلمون» در اوج اذیت و آزاری که نسبت به او داشتند تقاضای هدایت برای آنها کرد امت پیامبر امت مرحومه هستند این هم یک ویژگی و برجستگی در مورد این امت است در آیه قرآن آمده «و ما کان الله لیعذبهم و أنت فیهم» در امم گذشته اکثر امم مبتلا به عذاب‌های شدید الهی بودند امت یهود امت ابراهیم، لوط اما خداوند متعال خطاب به پیامبر می‌فرماید «و ما کان الله لیعذبهم و أنت فیهم» حال این خودش موضوع یک بحث مستقلی می‌باشد. این جهت در پیامبر اسلام

یکی از برجسته‌ترین نکات است در خیلی از امور امتیازات هست یکی هم این است. وقتی می‌گوییم پیامبر رحمت است رحمت به خدا و رحمت به خود و رحمت به دیگران دارد چون رحمت شقوق و صنوف مختلف دارد به خودش رحمت دارد و به دیگران هم دارد اینکه می‌گوییم به دیگران رحمت دارد نه فقط انسان‌ها بلکه به همه موجودات این عالم از چهار پا و انسان رحیم است. از پیامبر اکرم نقل شده یک وقت رد می‌شدند دیدند بر یک چهار پایی بیش از حد توان بار کرده‌اند بدن پیامبر لرزید و واقعاً ناراحت شد از این عمل، و به آنها تذکر داد. واقعاً وجود او از این مسائل در رنج و تعب می‌افتاد حتی راجع به درختان و گیاهان هم مراعات می‌کرد. یک فرمانی صادر کردند به صورت منشور برای همه جنگ‌ها که هیچ کسی حق ندارد تا ضرورتی پیش نیامده درختی را قطع کند چه برسد به انسان‌ها که در مورد انسان‌ها آن قدر پیامبر توجه و دقت دارد که در قرآن می‌فرماید: «لقد جائکم رسول من أنفسکم عزیزٌ علیہ ما عنتم حریصٌ علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم»<sup>۱</sup> اصلاً از اینکه می‌بیند قومش در رنج و مشقت هستند برایش سخت و دشوار است و در آیه دیگر آمده که تو از شدت اهتمام به امور اینها داری قالب تهی می‌کنی. ما چنین پیامبری داریم که این مقدار دقیق و رحیم است و رعایت دیگران را می‌کند و توصیه به اخلاق می‌نماید. اینها اموری است که جلوه‌های رحمت پیامبر است می‌فرماید: اگر سه نفر با هم جایی نشستند دو نفر از این جمع با هم نجوا نکنند چون نجوا کردن این دو نفر با هم موجب رنجش و ناراحتی نفر سوم می‌شود. ما باید واقعاً به این جهات توجه کنیم مخصوصاً روحانیت که در مسند هدایت مردم است خیلی باید به این نکته توجه کند. اگر پیامبر اکرم در آن شرایط و در آن محیط که پر از آثار و اعمال جاهلیت بود موفق شد به خاطر همین جهت بود از زنده به گور کردن دختران تا امور دیگر. الآن این مطلب برای ما خیلی قبیح به نظر می‌رسد چون از ظرف زمانی آن فاصله گرفته‌ایم در حالی که آنها آن را نشانه غیرت می‌دانستند و با افتخار این کارها را انجام می‌دادند پیامبر این گونه رفتارهای اخلاقی همراه با رحمت را داشتند که از آن مردم امثال عمار یاسر بیرون آمد این جهت برای ما خیلی مهم است نوع برخورد خیلی اثر گذار است.

این نکته خیلی مهم است. حسن خلق بنا بر بعضی از روایات از ابزار تقویت ایمان است و سوء خلق از ابزار تقویت کفر در یک روایت از رسول گرامی اسلام وارد شده که حضرت می‌فرماید: «لما خلق الله تعالی الایمان قال اللهم قونی فقواه بحسن الخلق و السخا و لما خلق الله الکفر قال اللهم قونی فقواه بالبخل و سوء الخلق» وقتی خداوند تبارک و تعالی ایمان را خلق کرد ایمان به خدا عرض کرد خداوند مرا تقویت کن؛ پس خدا او را با حسن خلق و سخاوت تقویت کرد (ابزار تقویت ایمان) و همچنین وقتی خداوند کفر را خلق کرد او نیز از خدا خواست که او را تقویت کند و خداوند با بخل و سوء خلق آن را تقویت کرد. بد خلقی و بد رفتاری و بد اخلاقی ابزار تقویت کفر و حسن خلق ابزار تقویت ایمان است در جامعه اسلامی واقعاً همه باید این گونه باشند و ایمان را با حسن خلق تقویت کنند. لذا ما باید با تمسک به پیامبر و امام صادق و اهل بیت علیهم السلام که خاندان اخلاق هستند، رنگ بوی اهل بیت عصمت و طهارت پیدا کنیم و به این وسیله دیگران را هدایت نماییم.

«والحمد لله رب العالمین»